

بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان

سرپرست خانوار

(مورد مطالعه: زنان سرپرست خانوار شهر تهران)

آتنا غلام نیارمی* ، ابراهیم انصاری**

تاریخ دریافت: ۹۴/۸/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۱۱

چکیده

پدیده‌ای به نام زن سرپرست خانوار، یک واقعیت اجتماعی است که امروزه در سراسر جهان وجود داشته و به دلایل گوناگون پدید می‌آید. این گروه اجتماعی برای امرار معاش و فعالیت اجتماعی و اقتصادی خود به امنیت اجتماعی نیاز جدی دارد. رسالت اصلی این پژوهش، بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار است با در نظر گرفتن ابعاد مالی، جانی، عاطفی و ارتباطی امنیت اجتماعی. در این راستا، پژوهش پیمایشی در جامعه

atena1359@yahoo.com

e.ansari29@yahoo.com

* دانشجوی دکتری. (نویسنده مسئول).

** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان.

هدفی متشکل از ۴۰۰ زن سرپرست خانوار تحت پوشش مؤسسات حمایتی غیردولتی (مردم نهاد) در شهر تهران صورت گرفته است. داده‌های حاصل از پیمایش با روش‌های آماری رگرسیون چندمتغیره تجزیه و تحلیل شده و برای آزمون اعتبار سازه‌ای ابزار اندازه‌گیری و آزمون نیکویی برازش ساختار مورد نظراز مدل‌سازی معادلات ساختاری (نرم‌افزار ایموس) استفاده شده است. نتایج حاصل از رگرسیون چندمتغیره داده‌ها نشان می‌دهد عامل اقتصادی (۰/۲۵) مؤثرترین عامل تأثیرگذار بر امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار است. پس از آن به ترتیب عوامل محیطی (۰/۱۳)، عوامل قانونی (۰/۱۲) و عوامل خانوادگی (۰/۱۰) بر امنیت اجتماعی این گروه از زنان تأثیر گذارند. با توجه به نتایج به‌دست آمده از این پژوهش، با ایجاد شرایط و زمینه‌های مناسب به‌ویژه در بستر اقتصادی و محیطی که این زنان در آن احساس امنیت اجتماعی داشته باشند، می‌توان زمینه توانمندسازی آنان را فراهم کرد.

مفاهیم کلیدی: زن سرپرست خانوار، امنیت اجتماعی، امنیت مالی، امنیت جانی، امنیت عاطفی، امنیت ارتباطی

طرح مسئله

پدیده‌ای به‌نام زن سرپرست خانوار، یک واقعیت اجتماعی است که امروزه در سراسر جهان وجود داشته و به‌دلایل گوناگون پدید می‌آید. این گروه از زنان به‌علل مختلف در دنیا رو به فزونی هستند. در ایران نیز افزایش تعداد این زنان به‌ویژه در سال‌های اخیر چشمگیر بوده است. براساس آمارهای رسمی، در سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ خانوارهای زن سرپرست به ترتیب ۳/۱، ۴/۷، ۷/۷ و ۹/۴ بوده است. این نسبت در سال ۱۳۹۳ به ۱۲/۱ رسیده است (سایت بهزیستی کل کشور، ۱۳۹۴). افزایش تعداد خانوارهای زن سرپرست به‌دلایل مختلف و مسائل و مشکلات آنان، باعث می‌شود که

به این مسئله بتوان به‌عنوان یک مسئله اجتماعی قابل بررسی نگاه کرد. طبق تعریف سازمان بهزیستی کشور، «زن سرپرست خانوار» زنی است که عهده‌دار تأمین معاش مادی و معنوی خود و اعضای خانوار خویش است. زنان مطلقه، زنان بیوه و زنانی که شوهرانشان مهاجرت کرده و یا اطلاعی از آنان در دست نیست، به‌عنوان زن سرپرست خانوار شناخته می‌شوند. به‌عبارتی زن سرپرست خانوار زنی است که بدون حضور منظم و یا حمایت یک مرد بزرگسال، سرپرستی خود یا یک خانواده را برعهده دارد. در اغلب جوامع، معمولاً مردان سرپرست خانواده بوده و نقش اقتصادی و حمایتی خانواده برعهده آنان است. این زنان به‌عنوان سرپرست خانواده باید وارد جامعه شده و در محیط اقتصادی و اجتماعی حضور یابند. بسیاری از اسناد بین‌المللی در زمینه حقوق بشر، امنیت اجتماعی را یکی از بنیادی‌ترین حقوق افراد یک جامعه مطرح می‌کنند. در ماده ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) آمده است که «هر فردی به‌عنوان عضوی از جامعه، دارای حق امنیت اجتماعی است». زنان سرپرست خانوار نیز برای حضور در جامعه و فعالیت اقتصادی و اجتماعی به امنیت اجتماعی نیاز دارند. این زنان علاوه بر نقش‌های متداول زنان در خانواده، متولی نقش‌های مربوط به تأمین معاش و اداره و مدیریت خانوار نیز هستند. حضور در جامعه برای اشتغال و فعالیت اجتماعی ارتباط مستقیمی با احساس امنیت اجتماعی دارد. بنابراین به نظر می‌رسد امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار که در اکثر موارد از قشرهای آسیب‌پذیر هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند از مسائل قابل بررسی است. علاوه بر این مجموعه پرشماری از عناصر فرهنگی شامل انواع قوانین، سنت‌های رایج، هنجارها، باورها، ارزش‌ها، انتظارات غیررسمی، کلیشه‌ها و اصول اخلاقی وجود دارند که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار در یک جامعه تأثیرگذار است. پس مسئله امنیت اجتماعی برای ارتقای آسایش و رفاه اجتماعی این زنان مسئله‌ای اساسی و جدی است. این مسئله با عنایت به گذار جامعه ایرانی از حالت سنتی به مدرن که پیامدهای خاص اجتماعی به همراه دارد، بیشتر حائز اهمیت قرار می‌گیرد. چنانچه امنیت اجتماعی زنان

سرپرست خانوار افزایش یابد، حضور آنان در جامعه بی‌دغدغه‌تر شده و این به ارتقای توانمندی‌های آنان کمک خواهد کرد. علاوه‌براین افزایش امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار باعث افزایش اعتماد اجتماعی آنان برای حضور در جامعه برای پذیرفتن مشاغل گوناگون در زمینه‌های تولیدی و اقتصادی شده که این خود به توسعه اقتصادی یک جامعه کمک می‌کند. همچنین وجود امنیت اجتماعی مناسب برای این زنان به ارتقای سطح کیفی زندگی فرزندان آنان خواهد انجامید که بخشی از بدنه جامعه آینده به‌شمار می‌روند. برای افزایش و ارتقای امنیت اجتماعی این زنان ابتدا باید عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر این متغیر مورد بررسی قرار بگیرد.

با در نظر گرفتن دلایل مطرح شده، رسالت علمی اقتضا می‌کند برای فراهم کردن و توسعه امنیت اجتماعی یک گروه اجتماعی خاص، ابتدا عوامل مؤثر بر آن را شناخت. به همین دلیل مسئله اصلی این پژوهش، بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار شهر تهران در نظر گرفته شده است، زیرا به‌نظر می‌رسد با شناسایی این عوامل می‌توان به برداشته شدن گامی در جهت ارتقای امنیت اجتماعی این زنان امیدوار بود. این مسئله دارای دو بعد است. بعد اول امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار و شناسایی عوامل مؤثر بر آن است؛ بعد دیگر این مسئله، راه‌های خروج زنان سرپرست خانوار از تنگناهای اجتماعی - اقتصادی پیش روی آنهاست. اهمیت و ضرورت اصلی بررسی پدیده زن سرپرست خانوار این است که در جوامع امروز این قضیه به یک مسئله اجتماعی مهم تبدیل شده است. در حوزه مطالعات امنیت اجتماعی، جنسیت تأثیرگذارترین عامل شخصیتی در احساس ناامنی مطرح شده است. نتایج این مطالعات نشان می‌دهد کلاً درجه احساس ناامنی در زنان بیشتر از مردان است. این اثرات بر زنان سرپرست خانوار که از گروه‌های آسیب‌پذیرتر جامعه هستند بیشتر خواهد بود. اثراتی که باعث محدودیت بیشتر آنان در فعالیت‌های اجتماعی می‌شود. بنابراین یکی از مهم‌ترین مسائلی که زنان سرپرست خانوار با آن مواجه می‌شوند، مسئله امنیت اجتماعی است. احساس امنیت به حدی حائز اهمیت است که

مازلو در سلسله مراتب نیازها، نیاز به ایمنی را بعد از نیازهای فیزیولوژیک و قبل از نیاز به روابط اجتماعی قرار داده است. نکته‌ای که باید به آن توجه ویژه داشت این است که بدون شناخت عوامل اجتماعی مؤثر بر امنیت اجتماعی افراد جامعه، تأمین امنیت اجتماعی و نظم عمومی امکان‌پذیر نخواهد بود. محقق در این پژوهش به دنبال پاسخگویی به پرسش‌های زیر است: عوامل اقتصادی مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار چیست؟ عوامل محیطی مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار چیست؟ عوامل خانوادگی مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار چیست؟ عوامل قانونی مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار چیست؟

پیشینه پژوهش

مروری بر پیشینه پژوهش‌های انجام شده در حوزه امنیت اجتماعی در ایران نشان می‌دهد پژوهشی مشخصاً با عنوان عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار تاکنون صورت نگرفته و به نظر می‌رسد پژوهش حاضر، پژوهشی جدید در این حوزه می‌باشد. بیشتر پژوهش‌های انجام شده به امنیت اجتماعی کل زنان مربوط بوده است که در میان آنها پژوهش‌هایی وجود دارد که از متغیرهایی مشابه متغیرهای این پژوهش در آن استفاده شده است. از آن جمله: کامران و عبادتی نظری (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «عوامل اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر احساس آرامش و امنیت اجتماعی زنان دانشجوی شهر تهران» نشان می‌دهند متغیرهای طبقه اجتماعی، حمایت خانواده، پایبندی به آداب و رسوم قومی، سن و اعتماد به عملکرد قانون، پنج متغیر عمده‌ای هستند که بر احساس آرامش و امنیت اجتماعی دانشجویان زن مؤثرند. این ۵ متغیر مجموعاً ۸۹/۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. در پژوهش حاضر نیز رابطه بین متغیرهای حمایت خانواده و اعتماد به عملکرد مراجع قانونی با امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار بررسی شده است. نوروزی و فولادی سپهر

(۱۳۸۸) در پژوهشی تبیینی به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در بین زنان ۱۵ تا ۲۹ سال شهر تهران پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد متغیرهای احساس امنیت محل سکونت، وضعیت اقتصادی و احساس نظم اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی زنان تأثیر مستقیم دارند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد یکی از عمده‌ترین دغدغه‌های زنان کمبود امنیت در جامعه برای آنان است و این امر سبب محدودتر شدن فعالیت زنان در محیط‌های عمومی شده و حضور زنان در شهر را در نقش یک شهروند فعال با مشکل مواجه می‌کند. در پژوهش حاضر نیز رابطه بین متغیر وضعیت اقتصادی با امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار بررسی شده است. سهرابی (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل آسیب‌زا در ارتباطات اجتماعی زنان سرپرست خانوار» نشان می‌دهد که نداشتن همسر به انزوای خانواده منجر شده و زنان سرپرست خانوار به باقی‌ماندن ارتباط مستمر با دیگران و دوستی پایدار، امید کمتری دارند و بقای ارتباطی در بین آنان ضعیف‌تر از زنان دارای همسر است. براساس نتایج این پژوهش میزان امنیت ارتباطی در زنان سرپرست خانوار از سطح ضعیف‌تری برخوردار بوده و احساس ناامنی و نگرانی در ارتباط با دیگران در میان آنان بیشتر است و ارتباطات طبیعی در روابط اجتماعی آنان کمتر دیده می‌شود. در پژوهش حاضر نیز امنیت ارتباطی به‌عنوان یکی از ابعاد امنیت اجتماعی مطرح شده است. حقیقتیان (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «احساس امنیت زنان و برخی عوامل مؤثر بر آن» نشان می‌دهد میزان احساس امنیت زنان شهر اصفهان در سطح نسبتاً پایینی (میانگین ۱۶ از ۵۰) قرار دارد. در این پژوهش، متغیرهای نوع دیدگاه شهروندان به پلیس و نوع عملکرد این نهاد، تجربه بزه‌دیدگی و میزان استفاده از رسانه از جمله عوامل تأثیرگذار بر احساس امنیت زنان مطرح شده است. در پژوهش حاضر نیز رابطه بین متغیر عملکرد نیروی انتظامی با امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار بررسی شده است. ادن مورفیلد^۱ و همکارانش (۲۰۰۷) در پژوهشی گسترده با عنوان «از طلاق تا ازدواج

مجدد» به بررسی میزان امنیت اجتماعی در میان زنانی که طلاق گرفته و مجدداً ازدواج کرده‌اند، می‌پردازند. نتایج پژوهش حاکی از این است که این زنان چالش‌های متعددی، به‌ویژه چالش‌های اقتصادی، را تجربه کرده و این مسئله پیامدهایی در زندگی آنان داشته است. عوامل اقتصادی مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر امنیت اجتماعی این زنان بوده است. در پژوهش حاضر نیز رابطه بین دو متغیر عوامل اقتصادی و ازدواج مجدد با امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار بررسی شده. سیمون^۱ (۱۹۹۴) پژوهشی درباره زنان سرپرست خانوار در امریکا انجام داده و به این نتیجه رسیده که زنان سرپرست خانوار (مادران تنها)، میزان بیشتری از آسیب‌های روانی را تجربه می‌کنند که یکی از مهم‌ترین این نگرانی‌ها احساس ناامنی اجتماعی در جامعه و محل کار است. در پژوهش حاضر نیز امنیت عاطفی به‌عنوان یکی از ابعاد امنیت اجتماعی مطرح شده است. لوبووا^۲ و متانی^۳ در سال ۲۰۰۴ در پژوهشی با عنوان «فضای شهری و امنیت: رسیدگی ایمنی برای زنان» به اهمیت امنیت جانی به‌عنوان یکی از ابعاد امنیت اجتماعی پرداخته و به این نتیجه می‌رسند که ترس از قربانی شدن، رفتار و حالات را در فضای عمومی شهری تغییر می‌دهد و این اثرات بر روی زنان و گروه‌های آسیب‌پذیرتر اجتماعی و اقتصادی شدیدتر است. اثراتی که فعالیت‌های آنان را محدود می‌کند و این مسئله فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنان را محدود کرده و کاهش می‌دهد. در پژوهش حاضر نیز امنیت جانی به‌عنوان یکی از ابعاد امنیت اجتماعی مطرح شده است.

چارچوب نظری پژوهش

در این پژوهش، برای تبیین نظری عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار از سه دسته نظریه‌های مربوط به حوزه امنیت اجتماعی، نظریه‌های

1. Simmon
2. Lubuva
3. Mtani

مربوط به حوزه زنان سرپرست خانوار و نظریه‌های مربوط به ازدواج مجدد استفاده شده است. نظریه‌های جامعه‌شناختی مربوط به امنیت اجتماعی در این پژوهش در قالب سه رویکرد بیان شده است. در رویکرد اول امنیت اجتماعی با محوریت مفهومی خاص (مثل هویت، قانون و اقتصاد) دسته‌بندی شده است. مطابق نظریه‌های امنیت اجتماعی هویت‌محور که نظریه‌پردازان مکتب کپنهاگ، یعنی باری بوزان^۱، ال ویور^۲ و بیورن مولر^۳ مطرح کرده‌اند، واژه محوری هویت است. امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حفظ ویژگی‌هایی اشاره دارد که براساس آن، افراد خود را عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند یا به عبارتی با جنبه‌هایی از زندگی فرد ارتباط پیدا می‌کند که هویت گروهی او را شکل می‌دهد. به عقیده او امنیت اجتماعی به قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت ملی با شرایط مقبول مربوط است. بوزان بحث خود را با تأکید بر اصول نظام ارگانیکی بیان کرده و امنیت اجتماعی را مترادف با امنیت هویت تلقی می‌کند (بوزان، ۱۳۷۸: ۴۱).

ال ویور در پژوهشی با عنوان «مفهوم امنیت اجتماعی» برای اولین بار هویت را در حد یک موضوع امنیتی ارتقا داد و یکسان‌سازی هویت‌ها به دست جریان‌ها یا دولت‌ها را تهدیدی امنیتی برشمرد. به اعتقاد ویور، گسترش مفهوم امنیت ملی و نهاد دولت باعث غفلت از مفهوم امنیت اجتماعی و نهاد جامعه شده است. جامعه براساس هویت، یعنی درک و برداشتی که اجتماعات و افراد از خود و از همبستگی خود دارند، تشکیل می‌شود. مفهوم کلیدی امنیت، هویت است و هرگاه یک حرکت عمده یا فرایندی ذهنی و احتمالی آن را تهدید کند و اعضای آن گروه، حرکت یا فرایند مذکور را تهدیدی بر بقای خود بشمارند، ناامنی اجتماعی رخ می‌نماید (نصری، ۱۳۹۰: ۹۷).

-
1. Bari Boran
 2. Ole Waever
 3. Biyoren Moller

بر اساس تحقیقات اصحاب مکتب کپنهاگ که همگی هویت را موضوع مرکزی امنیت اجتماعی به‌شمار می‌آورند، تهدید بر ضد هویت به‌شدت ذهنی و آمیخته با برداشت‌های شخصی - گروهی است. ممکن است برداشت آن گروه اساساً واقعیت نداشته باشد. به همین دلیل گفته می‌شود موضوع امنیت اجتماعی، منطقی و مبنای همگانی و قابل شناخت ندارد و به‌شدت ذهنی و سیال است (نصری، ۱۳۹۰: ۹۷).

نظریه‌های امنیت اجتماعی قانون‌محور دغدغه نظم مبتنی بر قانون را دارند. از نظریه‌پردازان آن می‌توان به ایستر برایمر^۱ اشاره کرد. برخلاف تعبیر ویور و بوزان، برایمر معتقد است که مفهوم امنیت اجتماعی بر صیانت مردم و بر امنیت شبکه‌های مواصلاتی از قبیل خطوط حمل‌ونقل و امنیت تماس تلفنی و امنیت الکترونیک متمرکز است. مقصود برایمر از صیانت مردم همان چیزی است که در گفتمان سلبی امنیت به‌عنوان رفع دغدغه امنیتی جامعه یاد می‌شود. بر این اساس امنیت اجتماعی هنگامی تأمین شده است که افراد جامعه بتوانند در عرصه خصوصی زندگی خود از نظارت، مراقبت، تهدید و تعقیب دیگری (دولت و غیره) در امان باشند. برایمر معتقد است برای رسیدن به امنیت اجتماعی علاوه بر پلیس مسلط و منصف، به همکاری دستگاه قضایی و قوه مقننه و دیگر نهادهای نگهبان قانون نیاز مبرم وجود دارد. به گفته برایمر امنیت اجتماعی هنگامی تأمین می‌شود که حقوق اساسی انسان‌ها به‌ویژه در حوزه آزادی و سبک زندگی مورد احترام باشد. برایمر تلویحاً خاطر نشان می‌سازد که امنیت اجتماعی، حاصل تعامل و رعایت قانون از سوی افراد جامعه و پلیس است (Brimmer, 2006: 53).

یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که در مبحث امنیت اجتماعی مورد تأکید قرار می‌گیرد امنیت اقتصادی است. امنیت مالی یکی از ابعاد امنیت اجتماعی است. نظریه‌های جدید در حوزه امنیت اجتماعی تمرکز بیشتری بر مؤلفه اقتصادی دارند. در این نظریه‌ها بر

1. Ester Brimmer

رابطه بین اقتصاد و امنیت اجتماعی تأکید می‌شود. رابطه بین شرایط اقتصادی هر فرد و احساس امنیت اجتماعی از آن‌چنان اهمیتی برخوردار است که دایره امنیت اجتماعی سازمان جهانی کار^۱ در سال ۲۰۱۰ میلادی کتاب راهنمایی را با عنوان *گسترش امنیت اجتماعی برای همه* تدوین کرده است که در آن به لزوم افزایش قدرت مالی و درآمد افراد برای ارتقای سطح امنیت اجتماعی اشاره شده است. در این کتاب پارادایمی برای گسترش امنیت اجتماعی طراحی شده است که رویکردی دوجانبی دارد. بعد اول شامل گسترش میزان درآمد افراد جامعه است که آن را «گسترش افقی» می‌نامند. بعد دوم شامل فراهم کردن سطوح بالاتری از درآمد و کیفیت زندگی برای افراد جامعه است که مستمری بازنشستگی، حقوق از کارافتادگی و بیمه اجتماعی را نیز دربرمی‌گیرد که آن را «گسترش عمودی» می‌نامند. در این پارادایم اعتقاد بر این است با بهبود شرایط و امکانات مالی افراد جامعه، امنیت اجتماعی نیز به شکل پلکانی افزایش خواهد یافت. پله اول شامل تضمین‌های اولیه، پله دوم شامل دسترسی به منافع و منابع برای همه افراد و در نهایت پله‌های بعدی بالاترین سطح تأمین نیازهاست (Social Security Department of ILO, 2010).

رویکرد دوم در حوزه امنیت اجتماعی، نظریه‌های رویکرد امنیت اجتماعی چند بعدی است. از میان کسانی که برای امنیت اجتماعی، مفهومی چندبعدی قائل هستند می‌توان به پارسونز اشاره کرد. برخلاف دیگر جامعه‌شناسان کلاسیک، پارسونز تنها بر یک بعد خاص از امنیت اجتماعی تأکید نمی‌کند بلکه برای امنیت اجتماعی ۴ بعد قائل است که هرکدام به یک خرده‌سیستم جامعه مربوط هستند و از برآیند آنها امنیت در سطح جامعه به وجود می‌آید: امنیت مالی و اقتصادی، امنیت سیاسی، امنیت حقوقی و قضایی و امنیت فرهنگی. نبودن هر یک از این ابعاد امنیت، روند سایبرنتیکی را دچار اختلال کرده، دنیای کارکردها را مختل و جامعه را در کلیت خود دچار عدم تعادل و پریشانی می‌کند. او معتقد است وقتی خرده‌سیستم‌ها به ایفای نقش‌های خویش پرداخته

1. (ILO)

و آسیبی متوجه آنها نباشد یا امکان کسب فرصت‌ها برای انسجام خرده سیستم‌ها فراهم باشد، امنیت اجتماعی برقرار شده است (نویدنی‌ا، ۱۳۸۸: ۷۹).

گیدنز نیز نگاهی دوبعدی به امنیت دارد. از نظر گیدنز، امنیت را می‌توان موقعیتی خواند که در آن با یک رشته خطرهای خاص مقابله و یا به حداقل رسانده می‌شود. تجربه امنیت به تعادل اعتماد و مخاطره بستگی دارد. از نظر گیدنز، امنیت مصونیت در برابر خطرهایست و خطر و امنیت دو روی یک سکه را تشکیل می‌دهند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۴۴). گیدنز همچنین به مفهوم امنیت وجودی برای مقاومت در برابر هجوم گسترده مخاطرات نهادهای مدرن اشاره می‌کند. امنیت وجودی یعنی ایمن بودن و در اختیار داشتن پاسخ‌هایی در سطح ناخودآگاه و خودآگاهی عملی برای بعضی پرسش‌های وجودی بنیادین که همه آدمیان در طی عمر خود به‌نحوی مطرح کرده‌اند. به عبارت دیگر اصطلاح امنیت وجودی به اطمینانی بازمی‌گردد که بیشتر انسان‌ها به تداوم تشخیص هویت خود و دوام محیط‌های اجتماعی و مادی کنش در اطراف خود دارند (نویدنی‌ا، ۱۳۸۸: ۳۳).

نویدنی‌ا نیز در اثر خود به‌نام *امنیت اجتماعی بر امنیت اجتماعی چندبعدی* تأکید دارد. نویدنی‌ا امنیت اجتماعی را در ابعاد امنیت جانی، امنیت مالی، امنیت عاطفی و امنیت ارتباطی مطرح می‌کند (نویدنی‌ا، ۱۳۸۸: ۶).

دسته دوم تئوری‌های مرتبط با این پژوهش، نظریه‌های جامعه‌شناختی حوزه زنان سرپرست خانوار است. مطابق نظریه آسیب‌پذیری زنان سرپرست خانوار یا زنانه شدن فقر، خانوارهایی که دارای سرپرست زن هستند، رشد فزاینده‌ای داشته و فرایند فقیر شدن آنان همچنان ادامه دارد. از طرف دیگر کودکان در این خانواده‌ها از امکانات رفاهی، مالی و عاطفی ناچیزی برخوردارند. این کودکان به دلیل فقر، حضور کمتری در مدارس دارند و میزان افت تحصیلی آنان بیش از کودکان خانواده‌های دووالدی است. علاوه بر این به دلیل مشغله‌ها و کم‌سواد بودن مادران کمتر در خانه به انجام تکالیف مدرسه تشویق می‌شوند. همچنین میزان بزهکاری در میان نوجوانان این خانواده‌ها بیشتر از

دیگر نوجوانان است. یکی دیگر از معضلات زنان سرپرست خانوار دسترسی نداشتن به مشاغل با منزلت است. به عبارت دیگر این زنان اغلب مشاغل حاشیه‌ای، نیمه‌وقت، غیررسمی و کم‌درآمد دارند. مشکل دیگری که بر آسیب‌پذیری این زنان می‌افزاید مسئله تنظیم وقت برای انجام کارهای بیرون و درون خانه است. صاحب‌نظران این مشکل را فقر زمانی^۱ نامیده‌اند. علت اصلی وجود این شرایط در زندگی این زنان و آسیب‌پذیری آنان، نظام تبعیض جنسیتی است که به دو جنس این امکان نمی‌دهد تا از فرصت‌های اجتماعی، شغلی، تحصیلی، درآمدی، رفاهی و تفریحی بهره‌یکسانی بگیرند (محمدی، ۱۳۸۶: ۲۱).

مطابق نظریه ساختی - کارکردی، خانواده‌های زن‌سرپرست، اساساً به شکل طبیعی و سنتی با خانواده‌های دووالدی متفاوت‌اند و در واقع پیدایش این گروه از خانوارها نوعی بحران محسوب می‌شود. در این خانواده‌ها شانس‌های زندگی کودکان تا حد زیادی کاهش می‌یابد و همچنین نبودن اقتدار پدر برای ساماندهی به زندگی خانوادگی، خانواده را با بحران مواجه می‌کند. بحرانی که با ورود زنان به بازار کار به جای انجام وظایف سنتی (خانه‌داری و رسیدگی به فرزندان) شروع شده و به تربیت نامناسب کودکان، افت تحصیلی و بزهکاری آنان ختم می‌شود. انزوای اجتماعی در خانواده‌های زن‌سرپرست به مراتب بیشتر از خانواده‌های دووالدی دیده می‌شود. در نظریه ساختی - کارکردی علت فقر و آسیب‌پذیری این گروه از زنان این است که شکل طبیعی زندگی خانوادگی یعنی خانواده هسته‌ای دوزوجی از میان رفته است. به هم خوردن نظم طبیعی زندگی خانوادگی، خود عامل مهمی در پیدایش فقر و آسیب‌های اجتماعی است (Megowan, 1990: 92).

مطابق نظریه بیگانگی اجتماعی زنان سرپرست خانوار، اغلب زنان سرپرست خانوار به دلیل اینکه برای ایفای نقش سرپرست جامعه‌پذیر نشده‌اند، دچار نوعی سردرگمی و اختلال اجتماعی می‌شوند. کاهش ارتباطات اجتماعی یکی از مشکلاتی

1. Time poverty

است که این گروه از زنان به آن دچار می‌شوند. وجود باورهای غلط، قضاوت‌ها و نگاه‌های تنگ‌نظرانه و نامناسب در جامعه نسبت به این زنان، احساس بیگانگی، ناامنی و ناراحتی در این زنان به وجود آورده و آنان را جامعه‌گریز می‌کند. این احساسات منفی نوعی حس معذب بودن برای حضور در اجتماع به آنان داده و محدودیت‌های اجتماعی برای آنان به بار می‌آورد. زنان سرپرست خانوار اغلب به اعضای درجه یک خانواده خود اعتماد دارند و میزان پذیرش افراد غیرفامیل برای آنان در سطح پایین‌تری قرار دارد. کلاً بی‌اعتمادی به دیگران، انگیزه شرکت در فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی این زنان را کاهش می‌دهد. نوع نگرش برخی از افراد جامعه به زنان بی‌سرپرست، محدودیت‌های جدی در شبکه روابط اجتماعی آنان به وجود آورده و نوعی بیگانگی اجتماعی در آنان ایجاد کرده است (شادی طلب، ۱۳۸۴: ۱۹).

زنان سرپرست خانوار در اغلب موارد به دلیل از دست دادن همسر در شبکه روابط اجتماعی و خانوادگی خود دچار محدودیت‌ها و چالش‌هایی می‌شوند. بسیاری از این زنان تجارب آزاردهنده‌ای از روابط با دوستان و خویشان خود داشته‌اند. این مسائل این زنان را دچار نوعی بیگانگی و انزوای اجتماعی می‌کند. همچنین این زنان به دلیل تجارب اجتماعی کمی که از فضای جامعه دارند و نیز به دلیل اینکه مردی در کنار آنان نیست تا تجربه‌های آنان را تکمیل کند، استقلال و آزادی کمتری برای فرزندان خود قائل می‌شوند و معمولاً فرزندان آنان دارای اعتماد به نفس کمتر و ترس بیشتری از فضای اجتماعی هستند. اینها همه باعث افزایش اضطراب، افسردگی، مشکلات روحی و روانی زنان سرپرست خانوار می‌شود (معیدفر، ۱۳۸۴: ۱۵).

دسته سوم تئوری‌های مرتبط با این پژوهش، نظریه‌های جامعه‌شناختی مربوط به ازدواج مجدد است. ازدواج مجدد در زندگی زنان سرپرست خانوار می‌تواند کارکردهایی داشته باشد. از جمله این کارکردها علاوه بر تأمین مسائل جنسی، مالی، روحی و روانی، کارکرد تأمین امنیت اجتماعی برای زنان سرپرست خانوار است. این زنان به‌عللی از جمله نگرش منفی جامعه به آنان و البته با توجه به نقش‌های چندگانه و

مسئولیت‌هایشان، اغلب برای برقراری روابط اجتماعی وقت اضافه نداشته و این امر به‌مرور باعث طرد آنان از جامعه شده و مشکلات عدیده‌ای برایشان ایجاد می‌کند (محمدی، ۱۳۸۶: ۱۳۴).

این گروه از زنان در مقایسه با زنان دیگر بیشتر به افسردگی، اضطراب، شکایات جسمانی، احساس تنهایی و بی‌کسی و فقدان روابط اجتماعی دچار هستند. به‌نظر می‌رسد ازدواج مجدد به‌ویژه در شکل دائم آن یک راه‌حل کارکردی برای حل این مشکلات و کمبودها باشد (خسروی، ۱۳۸۰: ۶۸).

به‌نظر می‌رسد نظریه‌های موجود در حوزه امنیت اجتماعی، بیشتر در کشورهای اروپایی و امریکایی بازتاب دارد. در کشورهای غیراروپایی مثل خاورمیانه و آسیای شرقی موضوع امنیت اجتماعی به‌گونه‌ای متفاوت ملاحظه می‌شود. تنوع سیاسی و اجتماعی، موقعیت جغرافیایی، تجربه و پیشینه تاریخی و نحوه حکومت در این کشورها مجموعه مسائل امنیتی آنان را به سمت متفاوتی سوق می‌دهد. پژوهشگرانی همچون محمد ایوب، ادوارد از، چونگ این مون قائل به این تمایز مفهومی و مصداقی هستند. از نگاه آنان بسیاری از مسائل حوزه امنیت اجتماعی کشورهای جهان سوم به مفاهیمی مانند خانواده، گروه، ساختار سنی و جنسی و نسلی، پایگاه اقتصادی، حکومت، نیروهای دولتی، انتظامی و قانونی مربوط است. بنابراین دیدگاه، در نظر گرفتن عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی افراد یک جامعه با متغیرهای بومی مفیدتر واقع می‌شود. به همین دلیل محقق در پژوهش حاضر از برخی نظریه‌ها و متغیرهای بومی استفاده کرده است. با مرور برخی تئوری‌های مطرح‌شده در بخش نظری و پیشینه تحقیق، می‌توان چهار دسته عامل اقتصادی، محیطی، قانونی و خانوادگی که بر امنیت اجتماعی تأثیرگذار است را استخراج کرده و مورد سنجش قرار داد. با عنایت به مفهوم امنیت اجتماعی در این پژوهش، برای تبیین نظری عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار، از میان نظریه‌های مطرح شده می‌توان از دو نظریه امنیت اجتماعی قانون‌محور و اقتصاد‌محور بهره گرفت. در نظریه امنیت اجتماعی قانون‌محور، ایده کلیدی این است

که مفهوم امنیت اجتماعی معطوف به نگهبانی و صیانت از سلامت مردم در قبال حوادث غیرمترقبه، جنایات سازمان‌یافته، اجرای قوانین و سیاست‌های حقوقی است. در این نظریه بر عملکرد مراجع انتظامی (پلیس) و دستگاه قضایی در برقراری امنیت اجتماعی تأکید شده است. از آنجا که در ایران نیز به نظر می‌رسد مفهوم امنیت اجتماعی بیشتر با عملکرد مراجع انتظامی و قضایی گره خورده است، بهره‌گیری از متغیرهای نظریه امنیت اجتماعی قانون‌محور برای جامعه ایران مناسب به نظر می‌رسد. نظریه‌های اقتصاد‌محور نیز بر شاخص اقتصاد تمرکز داشته و بیشتر منابع مالی و خدمات اجتماعی را عامل اصلی تأمین امنیت اجتماعی افراد جامعه در نظر می‌گیرند. نظریه زنانه شدن فقر نیز به دلیل مطرح کردن فقر و ضعف مالی اغلب زنان سرپرست خانوار و اهمیت توجه به مسائل اقتصادی در زندگی این زنان، از نظریه‌های قابل استفاده برای پشتوانه تئوریک عوامل اقتصادی این پژوهش به‌شمار می‌رود. علاوه بر نظریات اقتصاد‌محور، برای سنجش متغیر اقتصاد، در این پژوهش از شاخص‌های جهانی مؤسسه توسعه اجتماعی کانادا (۱۹۹۶) نظیر وضعیت مسکن، وضعیت درآمد و میزان حمایت‌های مالی مؤسسات حمایتی که زنان سرپرست خانوار تحت پوشش آنها قرار دارند، استفاده شده است. از سوی دیگر، با عنایت به نظریه بیگانگی اجتماعی زنان سرپرست خانوار، نوع نگرش برخی از افراد جامعه به زنان بی‌سرپرست، محدودیت‌های جدی در شبکه روابط اجتماعی این زنان به‌وجود آورده و نوعی بیگانگی اجتماعی در آنان ایجاد کرده است. در این پژوهش، شاخص‌های متغیر محیط، یعنی شبکه روابط اجتماعی، نگرش اطرافیان نزدیک نسبت به زنان بی‌سرپرست مرد، نگرش افراد جامعه نسبت به زنان بی‌سرپرست مرد با عنایت به همین نظریه استخراج شده است. از نظریه‌های فقر زمانی و همچنین نظریه بیگانگی اجتماعی زنان سرپرست خانوار می‌توان برای تبیین متغیر خانواده بهره گرفت. برای سنجش متغیر خانواده نیز از شاخص‌های جهانی مؤسسه توسعه اجتماعی کانادا (۱۹۹۶) نظیر شبکه روابط اجتماعی، آرامش خانواده و حمایت خانواده بهره گرفته شده است. با توجه به نظریه کارکردی ازدواج، متغیر ازدواج مجدد عاملی

تأثیرگذار بر افزایش امنیت اجتماعی زنان مطرح شده است که این متغیر نیز در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. برای ابعاد امنیت اجتماعی نیز از نظریه امنیت اجتماعی نویدنیا با ۴ بعد امنیت مالی، جانی، عاطفی و ارتباطی بهره گرفته شده است. برای سنجش امنیت اجتماعی هم باید به عوامل عینی (امور واقعی) و هم به امور ذهنی (درک و برداشت فرد) توجه کرد. با توجه به چارچوب نظری و با عنایت به مدل نظری تحقیق، فرضیات تحقیق به شرح زیر تدوین شده است:

۱. بین وضعیت مسکن و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار، رابطه وجود دارد.
۲. بین وضعیت درآمد و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار، رابطه وجود دارد.
۳. بین حمایت‌های مالی مؤسسات حمایتی و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار، رابطه وجود دارد.
۴. بین شبکه روابط اجتماعی و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار، رابطه وجود دارد.
۵. بین نوع نگرش افراد جامعه و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار، رابطه وجود دارد.
۶. بین نوع نگرش اطرافیان نزدیک و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار، رابطه وجود دارد.
۷. بین حمایت خانواده و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار، رابطه وجود دارد.
۸. بین آرامش خانواده و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار، رابطه وجود دارد.
۹. بین ازدواج مجدد و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار، رابطه وجود دارد.
۱۰. بین عملکرد نیروی انتظامی و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار، رابطه وجود دارد.
۱۱. بین عملکرد دستگاه قضایی و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار، رابطه وجود دارد.
۱۲. بین امنیت شهروندی و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار، رابطه وجود دارد.

تعاریف مفهومی متغیرهای پژوهش

مفهوم امنیت اجتماعی: امنیت اجتماعی، آرامش و آسودگی خاطری است که هر جامعه موظف است برای اعضای خود در زمینه‌های شغلی، اقتصادی، سیاسی و قضایی ایجاد کند. بنابراین امنیت اجتماعی چیزی نیست جز حالتی از آسودگی خاطر مردم از ترس، تهدید، اضطراب و مصون ماندن جان، مال، ناموس، هویت و اعتقادات آنان از هرگونه تهدید و تعرض مفروض (صدیق‌سروستانی، ۱۳۷۶: ۴).

امنیت اجتماعی به قلمروهایی از حفظ حریم فرد مربوط می‌شود که به‌نحوی در ارتباط با دیگر افراد جامعه هستند و به نظام سیاسی و دولت مربوط می‌شوند. این قلمروها می‌توانند زبان، نژاد، قومیت، اعتبار، نقش اجتماعی، کار، درآمد، رفاه، مشارکت سیاسی، آزادی، اعتقاد و... باشند. امنیت اجتماعی ناظر به بخشی یا برداشتی از امنیت است که به مسائل درونی جامعه و وضعیت و صورت‌بندی ساختاری آن ارتباط پیدا می‌کند. امنیت اجتماعی از مجموعه‌ای از قواعد جزئی و کلی تشکیل یافته است که هنجارها، ارزش‌ها و قوانین از مهم‌ترین موارد آن به‌شمار می‌رود (مجردی، ۱۳۹۱: ۲۱۹).

امنیت اجتماعی یکی از شاخص‌های اساسی رفاه اجتماعی است که می‌توان آن را در یک شبکه علت و معلولی مورد بررسی و ارزیابی قرار داد. امنیت اجتماعی به توانایی جامعه برای حفظ ویژگی‌های اساسی خود در برابر شرایط متحول و تهدیدات واقعی و احتمالی گفته می‌شود (نویدینیا، ۱۳۸۲: ۶).

مفهوم زن سرپرست خانوار: طبق تعریف سازمان بهزیستی کشور، «زن سرپرست خانوار» زنی است که عهده‌دار تأمین معاش مادی و معنوی خود و اعضای خانوار خویش است. زنان مطلقه، زنان بیوه و زنانی که شوهرانشان مهاجرت کرده و اطلاعی از آنان در دست نیست، به‌عنوان زن سرپرست خانوار شناخته می‌شوند. به‌عبارتی زن سرپرست خانوار زنی است که بدون حضور منظم و یا حمایت یک مرد بزرگسال، سرپرستی خود یا یک خانواده را برعهده دارد.

روش پژوهش

این پژوهش بر مبنای هدف مطالعاتی خود از نوع پژوهش‌های تبیینی و از حیث فرایند پژوهشی از نوع کمی است. با توجه به ماهیت موضوع تحقیق، برای انجام آن از دو روش اسنادی در بخش نظری و روش پیمایش در بخش جمع‌آوری داده‌ها بهره گرفته شده است. جامعه آماری این پژوهش، شامل کل زنان سرپرست خانوار شهر تهران است. در شهر تهران، ۲۴۷ هزار و ۱۶ خانوار را زنان سرپرستی می‌کنند (سایت سازمان بهزیستی کل کشور، ۱۳۹۴). از این میان حدود ۲ هزار زن سرپرست خانوار فقط تحت پوشش سازمان‌ها و مؤسسات خیریه مردم‌نهاد غیردولتی بوده و تحت پوشش هیچ سازمان حمایتی دولتی نیستند که جامعه آماری این پژوهش را همین ۲ هزار نفر تشکیل می‌دهند. حجم نمونه مورد نیاز این پژوهش، با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۴۰۰ نفر برآورد شد. برای انتخاب نمونه‌ها به مؤسسات خیریه مردم‌نهاد (غیردولتی) مراجعه شده و انتخاب نمونه‌ها با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای دو مرحله‌ای انجام شده است. در مرحله اول نمونه‌گیری، با عنایت به پراکندگی مؤسسات خیریه مردم‌نهاد (غیردولتی) موجود در مناطق شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تهران و میزان تراکم این مؤسسات در این مناطق و همچنین تعداد زنان سرپرست خانوار تحت پوشش این مؤسسات، از منطقه شمال تهران ۷ مؤسسه، غرب تهران ۹ مؤسسه، شرق تهران ۶ مؤسسه، مرکز تهران ۸ مؤسسه و جنوب تهران ۱۰ مؤسسه انتخاب شد. در مرحله دوم نمونه‌گیری، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، تعداد ۴۰۰ نفر از زنان سرپرست خانوار تحت پوشش این مؤسسات، به‌عنوان نمونه نهایی تحقیق انتخاب شدند. دلیل انتخاب نمونه‌ها تنها از مراکز خیریه مردم‌نهاد، همکاری بیشتر این مراکز با پروژه‌های پژوهشی و سهولت هماهنگی برای دسترسی به نمونه‌های پژوهش در این مراکز نسبت به مراکز دولتی است. مراکز حمایتی دولتی تمایل چندانی برای همکاری و کمک به پژوهشگران نشان نمی‌دهند و به‌نظر می‌رسد دلیل آن وجود دوا

تخصصی پژوهش در خود این مراکز است. به‌منظور سنجش روایی پرسش‌های پرسشنامه، از روش اعتبار صوری بهره گرفته شده است. همچنین برای روایی سازه و بررسی اعتبار سنجه‌ها، از مدل معادلات ساختاری (نرم‌افزار ایموس) که شامل مدل‌های عاملی تأییدی (روابط اندازه‌گیری) و مدل‌های مسیر (روابط ساختاری) است، استفاده شده. داده‌های گردآوری شده در این پژوهش، در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد پردازش قرار گرفته و برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از آزمون‌های آماری مربوط به هریک از متغیرها استفاده شده است. در تحلیل داده‌ها، برای یافتن میزان و سهم هریک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از تحلیل رگرسیون چندگانه داده‌ها بهره گرفته شده است.

تعریف عملیاتی مفاهیم و نحوه عملیاتی کردن متغیرهای پژوهش

شاخص‌های هریک از متغیرها برای سنجش در جدول ۱ آمده است:

جدول ۱- معرف‌سازی متغیرهای پژوهش

معرف‌ها	نام متغیر	نوع متغیر
وضعیت مسکن، وضعیت درآمد، حمایت‌های مؤسسات حمایتی	اقتصاد	مستقل
شبکه روابط اجتماعی، نوع نگرش اطرافیان نزدیک نسبت به زنان بی‌سرپرست، نوع نگرش افراد غریبه جامعه نسبت به زنان بی‌سرپرست	محیط	مستقل
عملکرد نیروی انتظامی، عملکرد دستگاه قضایی، امنیت شهروندی	قانون	مستقل
حمایت خانواده، آرامش خانواده، ازدواج مجدد	خانواده	مستقل
امنیت جانی، امنیت مالی، امنیت عاطفی، امنیت ارتباطی	امنیت اجتماعی	وابسته

شبکه روابط اجتماعی: به معنی مجموعه ارتباطات و تعاملات فرد با خانواده، اقوام و خویشاوندان، همسایه‌ها و اهالی محله، دوستان و تمامی افرادی که در حلقه اطراف فرد به‌نوعی حضور دارند.

نگرش افراد: به معنی میزان شناخت صحیح افراد از وضعیت واقعی زندگی زنان سرپرست خانوار، تأثیر نوع نگاه اطرافیان نزدیک نسبت به زنان بی‌سرپرست و تأثیر نوع نگاه افراد غریبه جامعه نسبت به زنان بی‌سرپرست است.

امنیت شهروندی: شامل نقش نیروی انتظامی در برقراری امنیت شهروندان و نقش مراجع قضایی در احقاق حقوق و امنیت شهروندان می‌شود.

عملکرد نیروی انتظامی: به اعتماد فرد به حضور نیروی انتظامی در جامعه برای رفع مشکلات شخصی و عمومی و کمک‌رسانی به او و میزان مراجعه به مراجع انتظامی در مواقع بروز مشکل اشاره دارد.

عملکرد دستگاه قضایی: به میزان اعتماد فرد به اقتدار و ضمانت اجرایی قانون برای حل مشکلات حقوقی و میزان مراجعه فرد به مراجع قضایی در مواقع لازم اشاره دارد.

ابعاد امنیت اجتماعی: شامل امنیت جانی، امنیت مالی، امنیت عاطفی و امنیت ارتباطی. امنیت جانی یعنی تضمین جسم و جان افراد در مقابل خطرات و آسیب‌هایی که مانع ادامه حیات آنان شود. امنیت مالی یعنی اطمینان از درآمان ماندن اموال و دارایی‌ها و دیگر منابع مالی در برابر آسیب‌های مختلف. امنیت عاطفی یعنی اطمینان از آنکه دیگران ما را دوست دارند و بود و نبودمان بر ایشان اهمیت دارد، دردها و مصائب ما آنان را نیز دچار اندوه می‌کند. امنیت ارتباطی نیز مجموعه تعاملاتی است که فرد با اعضای خانواده، خویشاوندان و افراد جامعه دارد و اعتمادی که در برقراری ارتباط با دیگران وجود دارد به تسکین روحی فرد منجر می‌شود (نویدینا، ۱۳۸۲).

جدول ۲- ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای مستقل و متغیر وابسته پژوهش

ردیف	متغیر	تعداد سؤال	ضریب آلفای کرونباخ
۱	وضعیت مسکن	۳	۰/۷۵
۲	وضعیت درآمد	۳	۰/۷۱
۳	حمایت‌های مؤسسات حمایتی	۴	۰/۷۹
۴	شبکه روابط اجتماعی	۵	۰/۷۶
۵	نگرش اطرافیان نزدیک	۳	۰/۷۲
۶	نگرش افراد غریبه	۳	۰/۷۲
۷	عملکرد نیروی انتظامی	۴	۰/۷۸
۸	عملکرد دستگاه قضایی	۴	۰/۷۴
۹	امنیت شهروندی	۳	۰/۷۷
۱۰	حمایت خانواده	۴	۰/۷۱
۱۱	آرامش خانواده	۳	۰/۷۱
۱۲	ازدواج مجدد	۳	۰/۷۹
۱۳	امنیت اجتماعی	۱۰	۰/۷۶

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش، در دو بخش توصیفی و تبیینی مطرح می‌شود. در بخش توصیفی، یافته‌های مرتبط با ویژگی‌های فردی و آماری و در بخش تبیینی آزمون فرضیات و همبستگی متغیر وابسته با متغیرهای مستقل مطرح شده است.

یافته‌های توصیفی: پاسخگویان در ۵ گروه سنی از ۲۵ تا ۶۵ سال طبقه‌بندی شده‌اند. توزیع فراوانی سنی پاسخگویان نشان می‌دهد ۱۷/۳ درصد از پاسخگویان در گروه سنی ۲۵-۳۳ سال، ۲۷/۵ درصد در گروه سنی ۳۴-۴۱ سال، ۳۰/۳ درصد در گروه سنی ۴۲-۴۹ سال، ۱۶ درصد در گروه سنی ۵۰-۵۷ سال و ۹ درصد در گروه سنی

۶۵-۵۸ سال قرار دارند. توزیع فراوانی وضعیت تحصیلات پاسخگویان حاکی از آن است که ۱۰/۸ درصد از آنان فاقد سواد، ۲۰/۸ درصد دارای سواد خواندن و نوشتن، ۶۳ درصد دارای دیپلم و ۵/۵ درصد دارای مدرک لیسانس هستند. توزیع فراوانی علت سرپرستی پاسخگویان نشان می‌دهد ۵۱ درصد از آنان به دلیل فوت همسر، ۲۸/۵ درصد به دلیل طلاق، ۶ درصد به دلیل غیبت همسر و ۱۴/۵ درصد به دلیل ازکارافتادگی همسر سرپرست خانوار شده‌اند. توزیع فراوانی نوع مسکن پاسخگویان حاکی از آن است که ۵۷ درصد از پاسخگویان دارای مسکن استیجاری رهن و اجاره، ۱۴/۵ درصد دارای مسکن استیجاری رهن کامل، ۷/۵ درصد دارای مسکن سازمانی و ۲۱ درصد دارای مسکن شخصی هستند. توزیع فراوانی درآمد پاسخگویان نشان می‌دهد ۴۳/۸ درصد از آنان درآمدی بین ۲۰۰ هزار تا ۴۰۰ هزار تومان و ۵۶/۳ درصد از آنان درآمدی بین ۴۰۰ هزار تا ۶۰۰ هزار تومان دارند. توزیع فراوانی تعداد افراد تحت سرپرستی پاسخگویان نشان می‌دهد ۶۷/۳ درصد از پاسخگویان بین ۱ تا ۲ نفر، ۲۱/۳ درصد بین ۳ تا ۴ نفر و ۱۱/۵ درصد بین ۵ تا ۶ نفر را تحت سرپرستی دارند. لازم به ذکر است که همگی پاسخگویان تحت پوشش مؤسسات حمایتی بوده و از هر دو نوع حمایت مالی نقدی و غیرنقدی این مؤسسات استفاده می‌کنند.

یافته‌های تبیینی: این پژوهش از نوع تحقیق علی است که میزان تأثیر چند متغیر مستقل بر یک متغیر وابسته را می‌سنجد. پس از `compute` شدن معرف‌ها، متغیرهای مستقل اصلی به دست آمده که این متغیرها شامل اقتصاد، محیط، قانون و خانواده می‌باشد.

نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه‌ها در جدول ۳ آمده است:

جدول ۳- نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

همبستگی	سطح معناداری	متغیرها	فرضیه
۰/۷۶۸	۰/۰۰۱	وضعیت مسکن - امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار	اول
۰/۸۸۱	۰/۰۴	وضعیت درآمد - امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار	دوم
۰/۵۶۱	۰/۰۰۱	حمایت‌های مالی مؤسسه - امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار	سوم
۰/۱۱۱	۰/۰۲	شبکه روابط اجتماعی - امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار	چهارم
۰/۰۹۶	۰/۰۵	تأثیر نگرش افراد جامعه - امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار	پنجم
۰/۰۹۶	۰/۰۵	تأثیر نگرش اطرافیان نزدیک - امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار	ششم
۰/۲۲۱	۰/۰۵	حمایت خانواده - امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار	هفتم
۰/۳۹۰	۰/۰۴	آرامش خانواده - امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار	هشتم
۰/۰۴۵	۰/۰۰۱	ازدواج مجدد - امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار	نهم
۰/۵۷۸	۰/۰۰۱	عملکرد نیروی انتظامی - امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار	دهم
۰/۰۳۵	۰/۰۳	عملکرد دستگاه قضایی - امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار	یازدهم
۰/۳۶۰	۰/۰۴	امنیت شهروندی - امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار	دوازدهم

فرضیه اول: بین وضعیت مسکن و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج ضریب همبستگی آزمون T در فاصله اطمینان ۰/۹۵ سطح معناداری برابر است با ۰/۰۰۱ و میزان ضریب همبستگی برابر است با ۰/۷۶۸؛ بنابراین شدت رابطه قوی، جهت رابطه مثبت و مستقیم است. به این ترتیب فرضیه اول تحقیق اثبات می‌شود. این همبستگی نشان می‌دهد که وضعیت مسکن زنان سرپرست خانوار یکی از عواملی است که بر امنیت اجتماعی آنان تأثیرگذار است. یعنی هر چه وضعیت مسکن آنان مناسب‌تر باشد امنیت اجتماعی آنان بالاتر خواهد بود.

فرضیه دوم: بین وضعیت درآمد و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون در فاصله اطمینان ۰/۹۵ سطح معناداری برابر است با ۰/۰۴ و میزان ضریب همبستگی برابر است با ۰/۸۸۱؛ بنابراین شدت رابطه قوی و جهت رابطه مثبت و مستقیم است. به این ترتیب فرضیه دوم تحقیق اثبات می‌شود. این همبستگی نشان می‌دهد که وضعیت درآمد زنان سرپرست خانوار یکی از عواملی است که بر امنیت اجتماعی آنان تأثیرگذار است. یعنی هرچه وضعیت درآمد آنان بهتر باشد امنیت اجتماعی آنان بالاتر خواهد بود.

فرضیه سوم: بین حمایت‌های مالی مؤسسات حمایتی و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون در فاصله اطمینان ۰/۹۵ سطح معناداری برابر است با ۰/۰۰۱ و میزان ضریب همبستگی برابر است با ۰/۵۶۱؛ بنابراین شدت رابطه متوسط و جهت رابطه مثبت و مستقیم است. به این ترتیب فرضیه سوم تحقیق اثبات می‌شود. این همبستگی نشان می‌دهد که حمایت‌های مالی مؤسسات حمایتی یکی از عواملی است که بر امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار تأثیرگذار است. یعنی هرچه حمایت‌های مالی مؤسسات حمایتی بیشتر باشد، امنیت اجتماعی آنان بالاتر خواهد بود.

فرضیه چهارم: بین شبکه روابط اجتماعی و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون در فاصله اطمینان ۰/۹۵ سطح معناداری برابر است با ۰/۰۲ و میزان ضریب همبستگی برابر است با ۰/۱۱۱؛ بنابراین شدت رابطه ضعیف و جهت رابطه مثبت و مستقیم است. به این ترتیب فرضیه چهارم تحقیق اثبات می‌شود. این همبستگی نشان می‌دهد که شبکه روابط اجتماعی زنان سرپرست خانوار یکی از عواملی مؤثر بر امنیت اجتماعی آنان است.

فرضیه پنجم: نوع نگرش افراد جامعه و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون در فاصله اطمینان ۰/۹۵ سطح معناداری برابر است با ۰/۰۵ و میزان ضریب همبستگی برابر است با ۰/۰۹۶؛ بنابراین شدت رابطه ضعیف و جهت رابطه مثبت و مستقیم است. به این ترتیب فرضیه پنجم تحقیق اثبات می‌شود. این همبستگی نشان می‌دهد که نوع نگرش افراد جامعه یکی از عواملی است که بر امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار تأثیرگذار است. پاسخگویان معتقدند نگرش منفی افراد جامعه نسبت به همسر نداشتن آنان نوعی احساس ناامنی و بی‌اعتمادی در آنان ایجاد می‌کند که گاهی به انزوای اجتماعی آنان منجر می‌شود.

فرضیه ششم: بین نوع نگرش اطرافیان نزدیک و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون در فاصله اطمینان ۰/۹۵ سطح معناداری برابر است با ۰/۰۵ و میزان ضریب همبستگی برابر است با ۰/۰۹۶؛ بنابراین شدت رابطه ضعیف و جهت رابطه مثبت و مستقیم است. به این ترتیب فرضیه ششم تحقیق اثبات می‌شود. این همبستگی نشان می‌دهد که نوع نگرش اطرافیان نزدیک یکی از عواملی است که بر امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار تأثیرگذار است. پاسخگویان معتقدند نگرش منفی اطرافیان نزدیک نسبت به

همسر نداشتن آنان می‌تواند به ناامیدی آنان از حمایت‌های نزدیکان‌شان منجر شده و نوعی احساس بیگانگی یا حتی طرد شدن در آنها ایجاد کند.

فرضیه هفتم: بین حمایت خانواده و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون در فاصله اطمینان $0/95$ سطح معناداری برابر است با $0/05$ و میزان ضریب همبستگی برابر است با $0/221$ ؛ بنابراین شدت رابطه ضعیف و جهت رابطه مثبت و مستقیم است. به این ترتیب فرضیه هفتم تحقیق اثبات می‌شود. این همبستگی نشان می‌دهد که حمایت خانواده یکی از عواملی است که بر امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار تأثیرگذار است. زنان سرپرست خانواری که از حمایت خانواده خود برخوردارند، اغلب موفق‌تر بوده و رضایتمندی بیشتری در زندگی دارند.

فرضیه هشتم: بین آرامش خانواده و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون در فاصله اطمینان $0/95$ سطح معناداری برابر است با $0/04$ و میزان ضریب همبستگی برابر است با $0/390$ ؛ بنابراین شدت رابطه متوسط و جهت رابطه مثبت و مستقیم است. به این ترتیب فرضیه هشتم تحقیق اثبات می‌شود. این همبستگی نشان می‌دهد که آرامش خانواده یکی از عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار است.

فرضیه نهم: بین ازدواج مجدد و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج ضریب همبستگی آزمون T در فاصله اطمینان $0/95$ سطح معناداری برابر است با $0/001$ و میزان ضریب همبستگی برابر است با $0/045$ ؛ بنابراین شدت رابطه ضعیف و جهت رابطه مثبت و مستقیم است. به این ترتیب فرضیه هشتم تحقیق اثبات می‌شود. شایان ذکر است زنان سرپرست خانوار ازدواج مجدد دائمی را عاملی تأثیرگذار بر امنیت اجتماعی خود می‌دانند ولی به ازدواج موقت نگرشی منفی داشته و آن را عامل افزایش نگاه‌های منفی افراد جامعه نسبت به خود می‌دانند.

فرضیه دهم: بین عملکرد نیروی انتظامی و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون در فاصله اطمینان $0/95$ سطح معناداری برابر است با $0/01$ و میزان ضریب همبستگی برابر است با $0/578$ ؛ بنابراین شدت رابطه متوسط و جهت رابطه مثبت و مستقیم است. به این ترتیب فرضیه دهم تحقیق اثبات می‌شود. این همبستگی نشان می‌دهد که حضور نیروی انتظامی در جامعه و عملکرد این نهاد یکی از عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار است.

فرضیه یازدهم: بین عملکرد دستگاه قضایی و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون در فاصله اطمینان $0/95$ سطح معناداری برابر است با $0/03$ و میزان ضریب همبستگی برابر است با $0/035$ ؛ بنابراین شدت رابطه ضعیف و جهت رابطه مثبت و مستقیم است. به این ترتیب فرضیه دهم تحقیق اثبات می‌شود. این همبستگی نشان می‌دهد که عملکرد نهاد قضایی یکی از عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار است.

فرضیه دوازدهم: بین امنیت شهروندی و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار، رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون در فاصله اطمینان $0/95$ سطح معناداری برابر است با $0/04$ و میزان ضریب همبستگی برابر است با $0/360$ ؛ بنابراین شدت رابطه متوسط و جهت رابطه مثبت و مستقیم است. به این ترتیب فرضیه دوازدهم تحقیق اثبات می‌شود. این همبستگی نشان می‌دهد که امنیت شهروندی که از سوی مراجع قانونی برقرار می‌شود یکی از عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار است.

تحلیل رگرسیون چندگانه داده‌های پژوهش

در این پژوهش به منظور بررسی روابط چندگانه بین متغیرها از تحلیل رگرسیون چندگانه داده‌ها استفاده شده است. نتایج جدول رگرسیون نشان می‌دهد ضریب همبستگی بین امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار و عوامل موثر بر آن (۰/۶۵) است که با توجه به میزان F (۲۷/۶۴) و سطح معناداری جدول رگرسیونی (۰/۰۰۰)، رابطه آن معنادار است. ضریب تعیین (R^2) در جدول ۵ نشان‌دهنده آن است که ۰/۳۹ از واریانس متغیر امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار با متغیرهای موجود در معادله رگرسیون (جدول ۴) که در سطح معناداری قرار دارند، تبیین می‌شود.

جدول ۴- رگرسیون چندگانه برای تبیین امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار

ضریب همبستگی چندگانه Multiple R	ضریب تعیین R	ضریب تعیین تعدیل شده R ²	خطای استاندارد برآورد	F	سطح معناداری Sig
۰/۶۵	۰/۳۹	۰/۳۸	۴/۹۱	۲۷/۶۴	۰/۰۰۰

از بین متغیرهای مستقل مطرح شده در جدول ۶، با توجه به سطح معناداری، آماره t هر متغیر و میزان ضریب بتا، به ترتیب متغیر اقتصاد با ضریب همبستگی (۰/۲۵۱)، متغیر محیط با ضریب همبستگی (۰/۱۳۶) متغیر قانون با ضریب همبستگی (۰/۱۲۱) و متغیر خانواده با ضریب همبستگی (۰/۱۰۹) بر امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار مؤثر هستند. با توجه به ضرایب بتای به دست آمده، متغیر اقتصاد بیشترین تأثیر و متغیر خانواده کمترین تأثیر را بر روی متغیر وابسته پژوهش، یعنی امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار، دارد.

جدول ۵- میزان ضرایب رگرسیون چند متغیره امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار

متغیرها	ضرایب استاندارد بتا	آماره t	سطح معناداری Sig
Constant		۶/۸۵۵	۰/۰۰۰
اقتصاد	۰/۲۵۱	۵/۱۲۲	۰/۰۰۰
محیط	۰/۱۳۶	۲/۷۰۷	۰/۰۰۷
قانون	۰/۱۲۱	۲/۶۹۳	۰/۰۰۰
خانواده	۰/۱۰۹	۲/۴۳۸	۰/۰۰۰

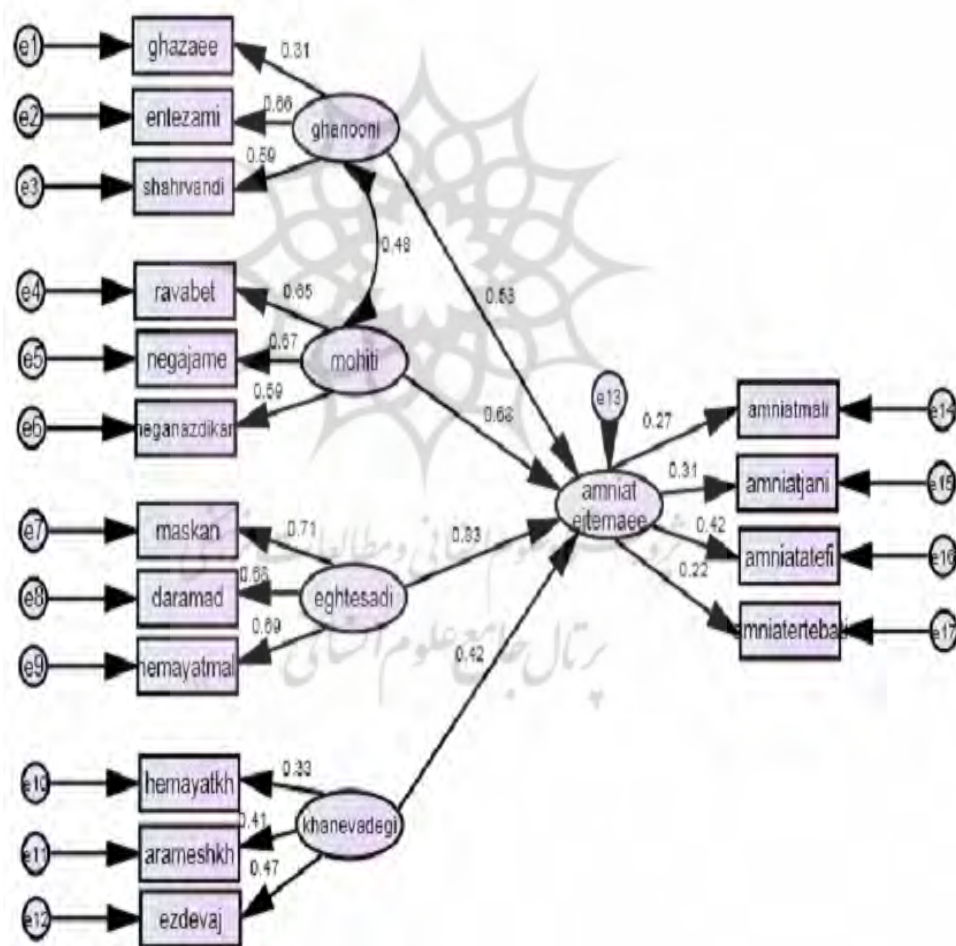
مدل‌سازی معادلات ساختاری

یکی از روش‌های پیشرفته برای بررسی روابط بین متغیرها و همچنین آزمون اعتبار سازه‌ای وسیله اندازه‌گیری و آزمون نیکویی برازش ساختار، مدل‌سازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار ایموس است. این مدل به آزمون اعتبار سازه‌ای وسیله اندازه‌گیری امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار و آزمون نیکویی برازش ساختار آن پرداخته است. در بخش اندازه‌گیری همچنان که از مدل برمی‌آید، بیشتر معرف‌های متغیرهای پنهان به صورت نسبتاً متناسبی روی آنها بار شده‌اند. بخش ساختاری مدل نیز حاکی از آن است که متغیرهای اقتصاد و محیط بیشترین مقدار واریانس امنیت اجتماعی را تبیین کرده‌اند. شاخص‌های مدل، آزمون نیکویی برازش ساختار نظری طراحی شده با داده‌های مشاهده‌شده و اعتبار سازه‌ای وسیله اندازه‌گیری مورد بحث را نشان می‌دهد. تمامی شاخص‌های تطبیقی مدل نیز مقادیر برابر یا بالاتر از ۰/۹۰ را نشان می‌دهند که به معنای توان مدل برای فاصله گرفتن از یک مدل استقلال و نزدیک شدن به یک مدل اشباع‌شده بر مبنای معیارهای تعریف‌شده برای آنها است. از آنجا که معیارهای $IFI=0/90$ ، $AGIF=0/90$ ، $GIF=0/92$ همگی نزدیک به یک هستند، حاکی از برازش

نسبتاً زیاد مدل و معیار $RMSEA=0/05$ حاکی از عملکرد ضعیف باقی‌مانده‌ها در مدل است. شاخص‌های برازش به صورت کامل در جدول زیر آمده و پس از آن مدل تعدلات ساختاری ترسیم شده است:

جدول ۷- شاخص‌های برازش مدل ساختاری

DF	P-Value	Chi-Square	AGFI	RMSEA	GFI	IFI	CFI	TLI	CMIN/DF
۸۱	۰/۰۰۰	۲۱۰/۸۹	۰/۹۰	۰/۰۵	۰/۹۲	۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۸۹	۲/۴۵۷



بحث و نتیجه‌گیری

رسالت اصلی این پژوهش، بررسی عوامل مؤثر بر مقوله امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار شهر تهران بوده است. چرا که مسئله زنان سرپرست خانوار از یک سو و مقوله امنیت اجتماعی از سوی دیگر، دو حوزه قابل تأمل در دنیای امروز است. پس بررسی این دو حوزه، پژوهش‌های جدی و گوناگونی را طلب می‌کند. زمانی که یک زن، به هر دلیلی، در نقش سرپرست خانوار قرار می‌گیرد، برای رفع نیازهای مالی و تأمین معاش خود و خانواده تحت سرپرستی خود ناچار به حضور در جامعه می‌شود. بنابراین وجود یک جامعه امن و یک محیط سالم برای فعالیت این زنان ضروری به نظر می‌رسد. این مهم تنها با برقراری و ارتقای سطح امنیت اجتماعی جامعه امکان‌پذیر خواهد بود. در این میان عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی، مسئله‌ای بسیار اساسی و قابل بررسی است، چرا که شناسایی این عوامل است که می‌تواند در این حوزه راهبردی و کاربردی باشد. بی‌شک ارتقای امنیت اجتماعی زنان جامعه، به‌ویژه زنان سرپرست خانوار، از پیامدهای مهم نظم و انسجام اجتماعی و پیش‌شرط بنیادین توسعه و پیشرفت هر جامعه‌ای است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد از میان متغیرهای اقتصاد، محیط، قانون و خانواده تأثیرگذارترین عامل بر امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار، عامل اقتصاد است. این یافته پژوهش با نظریه‌های رویکرد امنیت اجتماعی اقتصادمحور کاملاً منطبق است. وضعیت مسکن و درآمد زنان سرپرست خانوار دو متغیر تعیین‌کننده و تأثیرگذار بر امنیت اجتماعی این زنان است. چرا که داشتن مسکن مناسب و درآمد مکفی، نیازهای مالی آنان را تا حدودی برآورده کرده و به ارتقای سطح امنیت اجتماعی آنان کمک می‌کند. حمایت‌های مالی مؤسسات حمایتی که این زنان تحت پوشش آنها قرار دارند نیز تأثیر مثبتی بر رفع نیازهای مالی آنان دارد. تأمین نیازهای مادی زنان سرپرست خانوار از طریق کاربست سیاست‌گذاری‌های این حوزه، مبنایی لازم و ضروری برای تأمین امنیت اجتماعی آنان است. براساس یافته‌های این پژوهش، متغیر محیط دومین

عامل تأثیرگذار بر امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار است که نشان می‌دهد شبکه روابط اجتماعی، نگرش افراد جامعه و نگرش اطرافیان نزدیک نسبت به بی‌سرپرست‌بودن این زنان می‌تواند تأثیر مهمی بر امنیت اجتماعی این گروه اجتماعی داشته باشند. این یافته پژوهش نیز با نتایج تحقیقات معیدفر، شادی‌طلب و خسروی مطابقت دارد. هر چه زنان سرپرست خانوار در تعاملات و ارتباطات خود با دیگران بیشتر احساس امنیت داشته باشند، حضور مفیدتر و پررنگ‌تری در جامعه خواهند داشت. اصلاح نگرش افراد جامعه به زنان بی‌همسر، یکی از مسائل بسیار جدی است که به نظر می‌رسد نیاز به نوعی فرهنگ‌سازی کلان دارد. یکی از دغدغه‌های اصلی زن سرپرست خانوار برای حضور در جامعه، نداشتن احساس امنیت، زیر نگاه‌ها و نگرش‌های سنتی منفی برخی افراد جامعه است. بسیاری از زنان سرپرست خانوار، تجاربی از خواسته‌های نابجای مردان مثل صیغه کوتاه‌مدت، آزارهای کلامی و پیشنهاد حمایت‌شدن در قبال ارتباط جنسی را دارند. تجربه تلخ دیگر این زنان این است که حتی زنان دیگر که هم‌جنس خود آنان هستند و انتظار می‌رود از آنان حمایت کنند، از گسترش رابطه با آنان می‌پرهیزند تا مبدا شوهرانشان تمایلی به این زنان پیدا کنند. به این ترتیب زنان سرپرست خانوار اغلب در دایره روابط با خانواده خود و فرزندانشان به نوعی محبوس شده و گسترش شبکه روابط اجتماعی آنان مختل می‌شود. وجود این مسائل در شبکه روابط اجتماعی این زنان، به گونه‌ای تعادل روانی و ارتباطی آنان را به هم ریخته و امنیت عاطفی و ارتباطی آنان را تهدید می‌کند. با فرهنگ‌سازی می‌توان این نگرش‌های منفی سنتی را از جامعه زدود و محیط امن‌تری برای حضور زن سرپرست خانوار در اجتماع پدید آورد. متغیر قانون در رتبه سوم تأثیرگذاری قرار گرفته است. مهم‌ترین دلیل آن، نگرانی زن سرپرست خانوار برای مراجعه به نهادهای قانونی، تحت این نگرش سنتی است که «بهتر است پای ما به کلانتری و دادگاه باز نشود». این نگرش باعث می‌شود زن سرپرست خانوار با بسیاری از ناملازمات و سختی‌ها مدارا کند ولی به مراجع قانونی مراجعه نکند، مگر در مواردی که امنیت جانی او مورد تهدید قرار

گیرد. مراجعه نکردن به نهادهای قانونی به دلیل حفظ آبرو، به گونه‌ای امنیت جانی و مالی زنان سرپرست خانوار را با تهدید روبه‌رو خواهد کرد. با وجود این و در نهایت، بسیاری از این زنان، عملکرد نهادهای قانونی به‌ویژه نیروی انتظامی را بر امنیت اجتماعی خود تأثیرگذار می‌دانند. متغیر خانواده در رتبه آخر تأثیرگذاری قرار گرفته است. حمایت خانواده و آرامش خانواده به‌عنوان دو متغیر اصلی، نقش مهمی بر امنیت اجتماعی زن سرپرست خانوار دارند، ولی نسبت به عوامل دیگر، دارای تأثیر کمتری هستند. متغیر ازدواج مجدد نیز متغیری تأثیرگذار است، اما اگر به شکل ازدواج دائم باشد. زنان سرپرست خانوار معتقدند ازدواج موقت نه تنها باعث ارتقای امنیت اجتماعی آنان نخواهد شد، بلکه نگرش افراد جامعه را نسبت به آنان منفی‌تر کرده و امنیت عاطفی آنان را تهدید می‌کند. کلاً از یافته‌های این پژوهش، این نتیجه حاصل می‌شود که مهم‌ترین مسئله در زندگی زنان سرپرست خانوار، تأمین اقتصادی است. با وجود هزاران مؤسسه حمایتی مردم‌نهاد غیردولتی و مؤسسات حمایتی دولتی، باز هم بزرگ‌ترین دغدغه آنان، درآمد پایین و نداشتن شغل مناسب است. به نظر می‌رسد عامل اقتصادی تأثیر بسیار اساسی بر امنیت اجتماعی زن سرپرست خانوار دارد. با توجه به وسعت و گستره مشکلات مالی زنان سرپرست خانوار، حتی حمایت‌های دولتی و غیردولتی، پاسخگوی نیازهای اقتصادی آنان نبوده است. به همین دلیل باید تدابیر اساسی در این راستا اندیشیده شود. نتایج این پژوهش، نکته دیگری را نیز مشخص می‌کند. کمبودها و محدودیت‌های زنان سرپرست خانوار و کیفیت زندگی این زنان به لحاظ اجتماعی، فرهنگی، قانونی، حقوقی و روانی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. افزایش منابع قدرت و بهبود موقعیت اجتماعی این زنان در پیوند با یکدیگر می‌تواند گامی با هدف توانمندسازی آنان باشد و تأثیر بسزایی بر امنیت اجتماعی آنان بگذارد. اعطای تسهیلات مالی در کنار فراهم آوردن زمینه‌ای برای آگاه‌سازی حقوقی، اجتماعی و فرهنگی، تغییر نگرش افراد جامعه نسبت به مقوله بیوه بودن یک زن، سبب امنیت بخشی به زندگی زنان سرپرست خانوار و ارتقای اعتماد و عزت نفس آنان خواهد شد.

مشارکت اجتماعی زنان سرپرست خانوار در محیطی امن با امنیت اجتماعی بالا، استفاده از پتانسیل یک گروه اجتماعی در جامعه را امکان‌پذیر می‌سازد و چه‌بسا در صورت نبودن این امنیت اجتماعی، نیروهای بالقوه حضور این زنان در مشارکت اجتماعی و اقتصادی به هدر برود. از طرفی احساس امنیت اجتماعی در زنان سرپرست خانوار بر ارتقای کیفیت نقش مادری این زنان تأثیرگذار خواهد بود. همان‌گونه که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد عوامل اقتصادی و محیطی موثرترین عوامل بر امنیت اجتماعی زن سرپرست خانوار است. بنابراین با ایجاد شرایط مناسب اقتصادی و محیطی که این زنان در آن احساس امنیت اجتماعی داشته باشند، می‌توان زمینه توانمندسازی آنان را فراهم کرد.

منابع

- بوزان، باری. (۱۳۷۸)، *مردم، دولت‌ها و هراس*. ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی. با ویراستاری مجتبی عطارزاده، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حقیقتیان، منصور. (۱۳۹۳)، «احساس امنیت زنان و برخی عوامل مؤثر بر آن»، *مجله مطالعات جامعه‌شناسی شهری*، (۴) ۱۰.
- خسروی، زهره. (۱۳۸۰)، «بررسی آسیب‌های روانی - اجتماعی زنان سرپرست خانوار»، *فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء*، ۳۹.
- سهرابی، عزت. (۱۳۸۴)، بررسی عوامل آسیب‌زا در ارتباطات اجتماعی زنان سرپرست خانوار، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان*، دانشگاه تهران.
- شادی‌طلب، ژاله. (۱۳۸۴)، «فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار». *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱۷.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله. (۱۳۷۶)، «عوامل و موانع اجتماعی امنیت در ایران»، *همایش توسعه و امنیت عمومی*، تهران: انتشارات وزارت کشور.

- فریدون کامران؛ عبادتی نظولو، سمیه. (۱۳۸۹)، «بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر احساس آرامش و امنیت اجتماعی زنان دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی دانشگاه‌های شهر تهران». *فصلنامه پژوهش اجتماعی*.. (۳) ۶.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۷)، *پیامدهای مدرنیت*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- مجردی، سعید. (۱۳۹۱)، *امنیت اجتماعی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- محمدی، زهرا. (۱۳۸۶)، *زنان سرپرست خانوار*، تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
- معیدفر، سعید. (۱۳۸۴)، *وضعیت فرهنگی - اجتماعی خانواده‌های تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره)*، تهران: معاونت امور فرهنگی.
- نصری، قدیر. (۱۳۹۰)، *درآمدی نظری بر امنیت اجتماعی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- فیض‌الله نوری؛ سارا فولادی سپهر. (۱۳۸۸)، «بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۱۵-۲۹ ساله تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، *فصلنامه راهبرد*، (۱۸) ۵۳.
- نویدنیا، منیژه. (۱۳۸۲)، *درآمدی بر امنیت اجتماعی*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نویدنیا، منیژه. (۱۳۸۸)، *امنیت اجتماعی*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- Brimmer, Esther. (2006). *From Territorial Security to Societal Security: Implication for the Transatlantic Strategic Outlook*. Washington DC: center for transatlantic relation.

- Eden-Moorefield, B & Others. (2007). "From divorce to remarriage: Financial management and security among remarriage women". *Journal of Divorce and Remarriage*. (47).
- M.Lubuva, John; Anna Mtani. (2004). *Urban space & security: Safty audits for women, A case of Dar es salaam*. Tansania.
- Megowan, L. (1990). *The Determinant and Consequence of Female Headed and Household*. Populatio conciland. The international center for research women.
- Simmon, S. (1994). "Quality of life in community mental health care". *Journal of Nurse Student England*. (31).

